

رسالة محمد



نام درس:

نظام تربیتی از منظر قرآن و
روایات

• مدرس:

• خدیجه افشین

• بهار ۱۳۹۹

مبنای دوم : تاثیر باطن بر ظاهر

در قسمت قبل در باب تاثیر ظاهر بر باطن توضیح داده شد لکن این بدین معنا نیست که باطن منفعل باشد بلکه در صفتی همچون « نفاق » در فرد منافق، او به زبان چیزی می گوید که در دل ندارد اما به ارتباط با میل درونی او نیز نیست.

لذا تغییر در باطن، در ظاهر آشکار می گردد و در صورتی که ظاهر تغییری را نپذیرفت، چرایی آن را باید در باطن جستجو کرد. بر همین مبنا آیه « **فلولا اذا جاءهم** **باسنا تضرعوا ولكن قست قلوبهم** » به **نپذیرفتن آیات الهی از سوی کافران** اشاره دارد.

اصل دوم: تحوّل باطن

این اصل مبین آن است که در تربیت باید به فکر تحوّل و تغییر درونی بود.
چالش: به نظر می رسد که این اصل در تعارض با اصل پیش گفته «تأثیر ظاهر بر باطن» قرار دارد.

راه حل: این دو اصل در حقیقت مکمل هم هستند زیرا یک غایت را دنبال می کنند و در امر تربیت هر دو به یک اندازه سهم می باشند. به عبارت دیگر؛ هم به ظاهر و هم به باطن باید توجه کرد. نه تغییر ظاهری و نه تغییر باطنی هیچ کدام به تنهایی به مقصود مطلوب نمی رسند. پس هر دو را باید از آلودگی شست. به مصداق آیه «و ذروا ظاهر الاثم و باطنه»

اموری که در دل می گذرند. 
اعمالی که اعضا و جوارح انجام می دهند.

روش‌های تربیتی

روش‌های مترتب بر اصل دوم «**تحول باطن**» باید به گونه‌ای طرح ریزی شود که منتج به دگرگونی باطنی فرد گردد و بر اعمال و رفتارهای او تاثیر مثبت گذارد.

۱- روش اعطای بینش

بینش سطحی عمیقتر و گسترده‌تر دارد و با آگاهی (علم) تساوی ندارد. بنابراین: هر بینشی، آگاهی است اما هر آگاهی، بینش نیست.

آیه: «قد جاءكم بصائر من ربكم فمن ابصر فلنفسه و من عمى فعليها...» بر اعطای بینش از سوی پرودگار اشاره دارد.

این روش می‌کوشد که تلقی و تفکر افراد را تغییر دهد زیرا تغییر در رفتار و اعمال وابسته به نوع بینش و نگرش افراد می‌باشد.

انواع بینش در مورد:

- | | | | |
|--------------------|-----------------|----------|---------------|
| (الف) نظام هستی | (ب) حقیقت انسان | (ج) دنیا | (د) تاریخ مرگ |
| (و) مرگ و پس از آن | | | |

الف) بینش در مورد نظام هستی: مبدا هستی، خداوند است. ویژگی های نظام هستی عبارتند از: شهادت، احاطه، افاضه.

شهادت  حضور و نظام هستی  نظام شاهد و مشهود

لذا انسان به اعتبار نگاه خویش، بخش یا بخش هایی از نظام هستی را غیب می داند و گرنه هستی تماماً آشکار و برملا است زیرا هیچ برگی و هیچ دانه ای نمی تواند از دایره شهادت الهی خارج باشد. خداوند می فرماید: « **قل ای شیء اکبر شهادة قل الله بینی و بینکم** » به اوج **نظام شاهد و مشهودی** اشاره دارد.

تنها شاهد همه کائنات و هستی ها، خداوند است و هر چه غیر اوست، مشهود است.
سوال: اگر هر چه غیر خداوند مشهود است پس چگونه خداوند از ملائکه و پیامبران به عنوان شاهدان قیامت یاد می کند؟

پاسخ: در مرتبه فروتر از شهادت الهی بازهم شاهدیت و مشهودیت برقرار است. دسته ای از فرشتگان شهیدند و بر اعمال انسان حاضرند. پیامبران نیز بر امت های خویش شهیدند و امت آنها مشهود است. سنگ و خاک نیز شهیدند و اعمال انسان مشهود.
آیه « **یومئذٍ تَحْدُثُ أَخْبَارُهَا** » بر **شهادت سنگ و خاک** دلالت دارد.

احاطه: ویژگی دیگر نظام هستی، احاطه است. احاطه از دو جهت مورد توجه قرار می گیرد:

الف) علم ب) قدرت

خداوند نسبت به موجودات محیط و موجودات در محضر الهی محاط هستند

نکته: احاطه علمی خداوند با شهادت الهی یک معنا دارند.

همه موجودات تحت نفوذ و احاطه قدرت الهی هستند « و الله من ورائهم محیطٌ »

احاطه نیز دارای مراتب است در بالاترین مرتبه آن، محیط بودن خداوند و محاط بودن سایر

مخلوقات قرار دارد لکن ولایت رسول(ص) ، ائمه، ولایت فقیه، ولایت پدران بر فرزندان همه

نسبت به بالادستی خویش محاط و نسبت به فروتر خود، محیط هستند.

افاضه

« رحمانیت » خداوند بر نظام هستی گسترده است و هیچ مخلوقی از دایره عطای الهی محروم نمی باشد. آیه « یسأله من فی السموات و الارض کلّ یومٍ هو فی شأن » بر ویژگی « عطاء » اشاره دارد.

عطاء و بخشش خداوند بی حد و حصر است اما این موضوع به قابلیت گیرنده بستگی دارد. پس « امساک » ناشی از عدم ظرفیت گیرنده است نه ناشی از بخل و یا توان دهنده. چنانکه خداوند می فرماید: « لو بسطَ اللهُ الرزقَ لعبادهِ لبغوا فی الارض »



طغیان و فساد

تفاوت افاضه و استدراج

اگر ظرفیت گیرنده اندک بوده اما بخشش الهی مستمر و مداوم به وی برسد → استدراج
اما اگر بخشش خداوند به نسبت قابلیت و ظرفیت گیرنده به وی عطا گردد ← افاضه

نمونه هایی از برخی ویژگیهای شهادت، احاطه و افاضه در نصوص (آیات و روایات)

۱- « و ما انفقتم من نفقهٍ او نذرتم فانَّ اللهَ **يَعْلَمُهُ** ... ان تبدوا الصدقات فنعمًا هي و ان **تُخْفوها** و توتوها الفقراء فهو خير لكم ... و الله بما تعملون خبيرٌ »

يَعْلَمُهُ ← احاطه علمی خداوند (شهادت) **تُخْفوها** ← انفاق خفی

۲- « فيقول ربِّي **اَكْرَمَن** ... فقدَرَ عليه رزقه فقيول ربِّي **اهَانَن** »

این آیه در وصف فردی است که افاضه الهی در نظرش مخدوش شده است. اگر خداوند به او نعمت دهد، او را گرامی داشته و اگر تهی دست گردد، خداوند او را خوار کرده است. این شخص خداوند را تنها از آن خود می داند و آن فیاض بی بخل را با بخشش نسبت به خودش می سنجد.

خداوند در موضع اشراف بر همه هستی است و بی بخل نظر می کند.



از حسن توجه شما سپاسگزارم